

کلید واژه: هنرهای بومی کرد. خلیل مشتاق. گلیم. خورجین. هزار نقش.

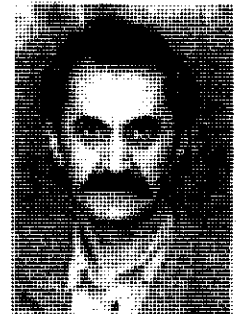
تورکه (توره، کوله‌پشتی پشمی)،
کوله‌پشتی مخصوص چوپانان با
نقش راه‌راه، ایل منگور،
بیرانشهر.

زیبایی شناسی هنرهای بومی کرد

خلیل مشتاق

فوق لیسانس پژوهش هنر، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

هنرهای بومی، در زمره‌ی هنرهای نخستین ساکنان هر سرزمین اند و در آموزش هنرهای ملی مردم دنیا، همواره جایگاهی ارجمند دارند. از این رو، این هنرها همواره حمایت سازمان‌های فرهنگی جهانی، نظیر یونسکو را در پی داشته‌اند. در این نوشتار، آقای مشتاق به بررسی ابعاد زیبایی‌شناسی هنرهای بومی کردهای غرب کشور پرداخته‌اند. امید است که در فرصت‌های بعدی به بررسی هنرهای بومی مناطق دیگر کشور عزیزمان بپردازیم.

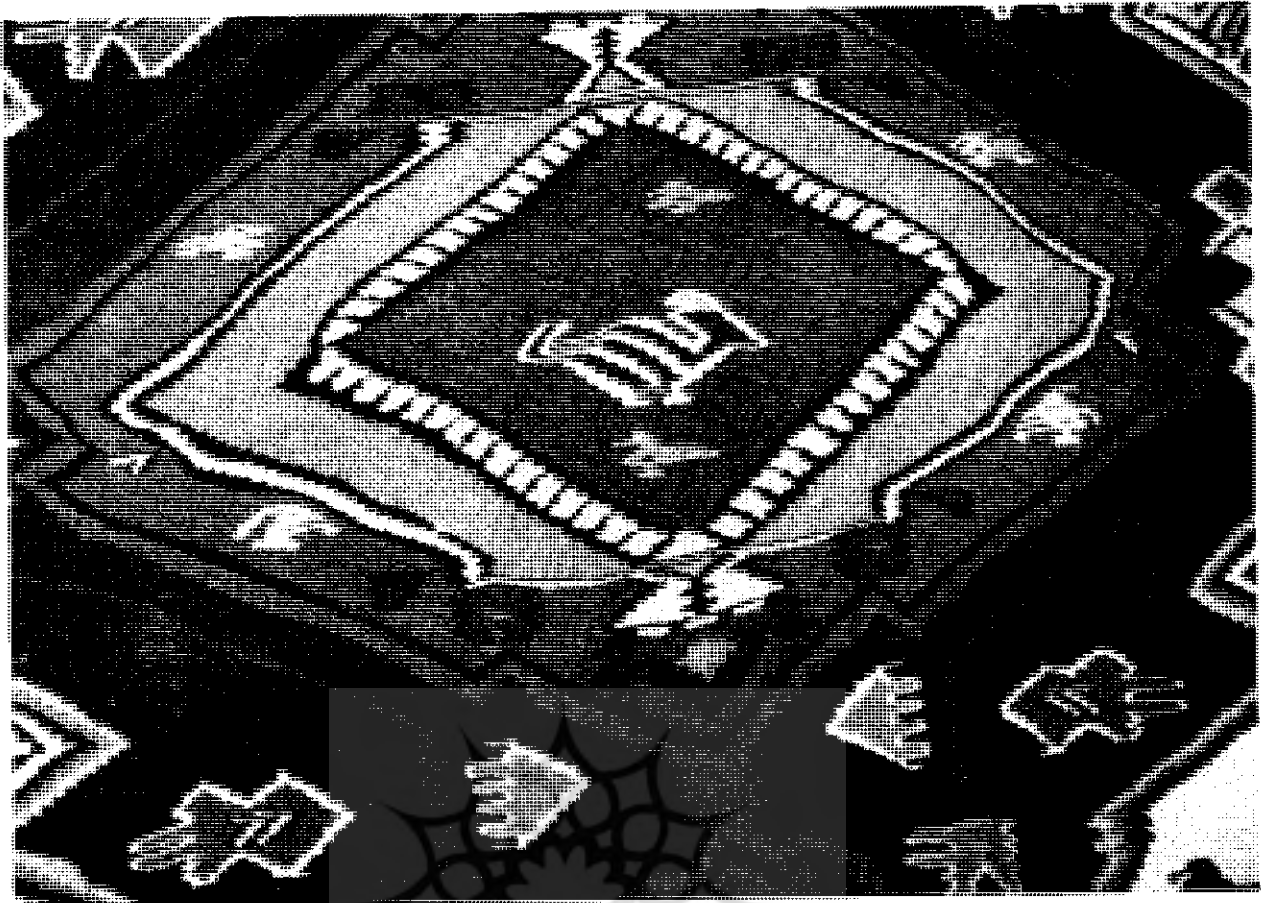


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



هنرهای بومی، مجموعه‌ای از هنرهای گوناگون مردم یک جامعه‌ی سنتی، حتی متحول است که در طول دوره‌ها، با توجه به عوامل مختلفی از جمله شرایط اقلیمی، محل سکونت، وضع اقتصادی و شغلی، نظام اجتماعی ساخته و پرداخته شده و به تدریج ویژگی و شکل خاصی به خود گرفته است. از این رو، می‌توان هنرهای بومی را میراث فرهنگی و تاریخ ذهنی و معنوی مردم جامعه تلقی کرد. این هنرها از یک سو ماهیت کاربردی دارند و قشر اصلی جامعه آن‌ها را به عنوان مکمل زندگی یا ابزار کار و تأمین معاش و برای کمک به تولید بیش‌تر و بهبود اقتصاد مردم به وجود می‌آورند و بیانگر شیوه‌های زیست، نظام جمعی، مشخصه‌های اقلیمی، نشانه‌های طبیعی، خواسته‌ها و دلبستگی‌های آنان است. از سوی دیگر،

بخشی از گلیم با نقش‌های انتزاعی کردهای خراسان. این گلیم‌ها که اغلب با نام «پلاس فوجان» خرید و فروش می‌شوند، بسیاری از نقش‌های بومی و اصیل کردها را برخوردارند که بافندگان در سده‌هایتمادی آن‌ها را تکرار و حفظ کرده‌اند.



گلیم با نقش های انتزاعی حیوانی و گیاهی. سنج. نقش و نگارهای این گلیم با رنگ های درخشان و زیبای آن، بیانگر زندگی و اقتصاد دوگانه ی مردم کرد در گذشته است (دامداری و کشاورزی). حوض (آبگیر. سراب)، شغال، مرغابی و درخت، نماد اقتصاد کشاورزی است و چادر، نماد اقتصاد مبتنی بر دامداری به شمار می آید.

در گذشته های نه چندان دور، اکثر مردم نواحی کوهستانی ایران و از جمله کردها، حالت نیمه ثابت و نیمه سیار داشتند و همراه دام های خود، بیلاق و قشلاق می کردند.

گل های وحشی رنگارنگ و جانوران گوناگون آن، شور زندگی و تحرک و نشاط را در نهانخانه دل مردم و دست و ذهن سرشار از نیروی آفرینش و زیبایی آنان می دهد.

باورهای قومی و اعتقادات مذهبی، آثار این مردم آریانزاد و مسلمان را مملو از رمزها و کنایه های خاصی می کند که واقعیت زندگی پیدا و حقیقت حیات ناپیدا را به گونه ای شیوا و ملموس و در قالب نکات باریکی درهم می آمیزد و پیش روی بیننده یا شنونده می گذارد تا جریان حرکت توأم با معنویت را در شریان زندگی احساس کند. هنری که به حیات معقول انسان نظر دارد، بی تردید زیبا و دوست داشتنی است.

چون این هنر، وسیله ی زندگی است، پس نظم و وزن دارد. زیرا داشتن این ویژگی، لازمه ی انسجام و پیشرفت کار و کمک به وحدت و تعاون افراد و در نهایت، استمرار و بقای حیات جامعه است. چنین هنری، که هم منظوم است و هم موزون، مسلماً از پشتوانه و معیارهای زیبایی شناختی برخوردار است. نظم و وزن در هنر و از جمله هنر بومی. با زندگی چنین جوامعی

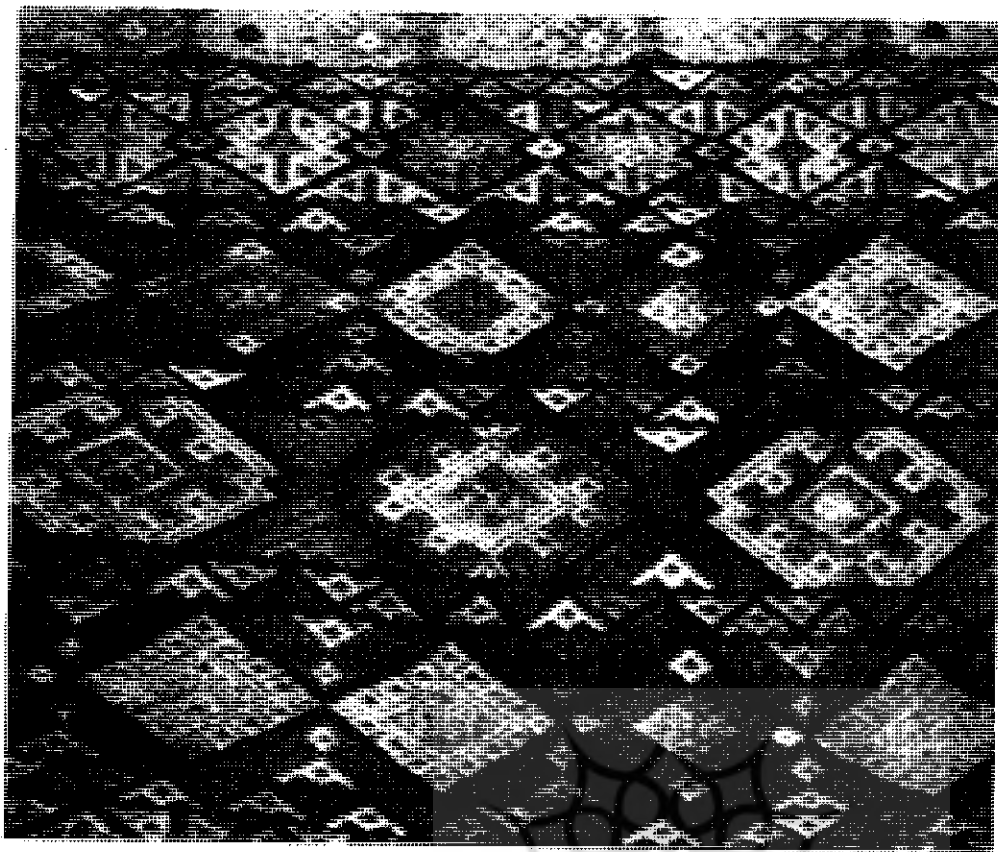
بی پیرایگی و سادگی حیات مادی و معنوی قشر تولیدگر جامعه و چگونگی نگرش آنان به جهان هستی در ساخته ها، بافته ها و دیگر آفریده های آنان در هنرهای مردمی و بومی به ظهور می رسد. این هنرها به دلیل سلامت خاستگاه ها، معتبرترین تجلی گاه و زمینه پژوهش فرهنگ معنوی مردم را فراهم می آورند.

در هنر بومی کردها نیز. همانند هنر بومی و سنتی هر قوم دیگر. به طور نسبی، پاره ای از امتیازها و ارزش های زیبایی شناختی را که حاصل تلاش و آفرینش این قوم کهن آریایی. در طول قرن های متمادی است، ببینیم.

به هر تقدیر، وجود عنصر زیبایی در هنرهای بومی کرد را می توان ناشی از تائیرهای عوامل و شرایط زیر دانست:

محیط زندگی و کوهستان های سرسبز را می توان در آن دید.

طبیعت بکر اغلب مناطق کردنشین، با رشته کوه های سرسبز و رودخانه های خروشان و همیشه روان و سیزه زاران شاداب و کشتزاران بر بار دشت های پوشیده از شقایق و لاله و انواع



بخشی از خورجین
 گلیم بافت، با نقش انتزاعی
 گل سیب - ایل منگور،
 بیرانشهر.
 این خورجین مخصوص
 حمل وسایل شخصی
 سوارکار، با رنگ‌های بسیار
 شفاف و نقش و نگارهای
 تریبونی و بسیار زیبا بافته
 شده است و از نظر تلفیق
 رنگ و مهارت در ساده
 کردن فرم، انسان را به یاد
 آثار هنری مدرن موزه‌های
 مشهور جهان می‌اندازد. این
 خورجین را در حدود ۷۰
 سال پیش، دختری ۱۵ ساله
 برای جهیزیه خودش بافته
 است.

اعتقادی و راوی سرگذشت گذشتگان و بزرگان
 زنده یاد است. پس موجب تسلی خاطر، مرجع رفع
 مشکلات، تکیه‌گاه امید و دریچه‌ای به دیار زیبایی
 آزادی و آزادی است.

. آشنا و مائوس و منقوش به مهر بکرنگی و
 دیرآشنایی است. قابل درک، ملموس، گویا و
 خواناست. با خود پیام راستی و دوستی دارد.
 در آثار هنری این منطقه، شکل‌های ساده با

ریتم و توالی خاصی تکرار می‌شوند و سطح
 دست‌بافته را برمی‌کنند. نقش‌های اصلی و خرده
 نقش‌ها، که اغلب حالت نمادین دارند و به بیان
 واقعیت‌های موجود در زندگی انسان می‌پردازند،
 بر اثر استمرار کار و تلاش هنرمندان در طی زمان‌ها
 و کسب مهارت و تجربه‌ی ناشی از آن، به نحوی
 در کنار هم قرار می‌گیرند تا ترکیب‌بندی‌های
 متعادل و مناسبی از نظر توازن، توالی، تکرار و
 هماهنگی به وجود بیاید و با استفاده‌ی شایسته از
 ترکیب خط، سطح و رنگ، تناسب و زیبایی به
 ظهور برسد.

ذکر این نکته لازم است که در هنرهای بومی
 کردها نیز تکرار نگاره‌ها، به هیچ وجه بی‌هدف و
 تنها برای پر کردن زمینه‌ی کار از نقش و نگار
 نیست. بلکه در عین تهیه‌ی یک وسیله‌ی مورد

رابطه و تناسب مستقیم دارد و به آن ریتم و حرکت
 می‌بخشد. بدیهی است که حرکت و استمرار در
 گذر تاریخ، همواره از عناصر عمده و اساسی تداوم
 و بقای جوامع به حساب آمده است.

. هنری آزاد و به دور از قید و بند هنر رسمی
 است و از پیشداوری‌های دیگران نمی‌هراسد.
 بی‌تکلف و ساده است که مردم عادی تنها برای
 رفع نیازهای جامعه بدان می‌پردازند.

. در عین حال که از روش خاص هنر محلی
 پیروی می‌کند و رمزها و استعارات اعتقادی را در
 قالب صورت‌های خاص بیان می‌نماید و بین
 صورت و معنا پیوند عمیق برقرار می‌سازد، در
 اغلب موارد، به طور ذهنی نیز ساخته شده است.
 با زندگی پیوند دارد و با آن مرتبط و موازی
 است. زیرا همان گونه که گفته شد، هنر سنتی
 مکمل زندگی و موجب بهبود و استمرار آن است.
 زبان حال و بیان آمال و راهی برای انتقال

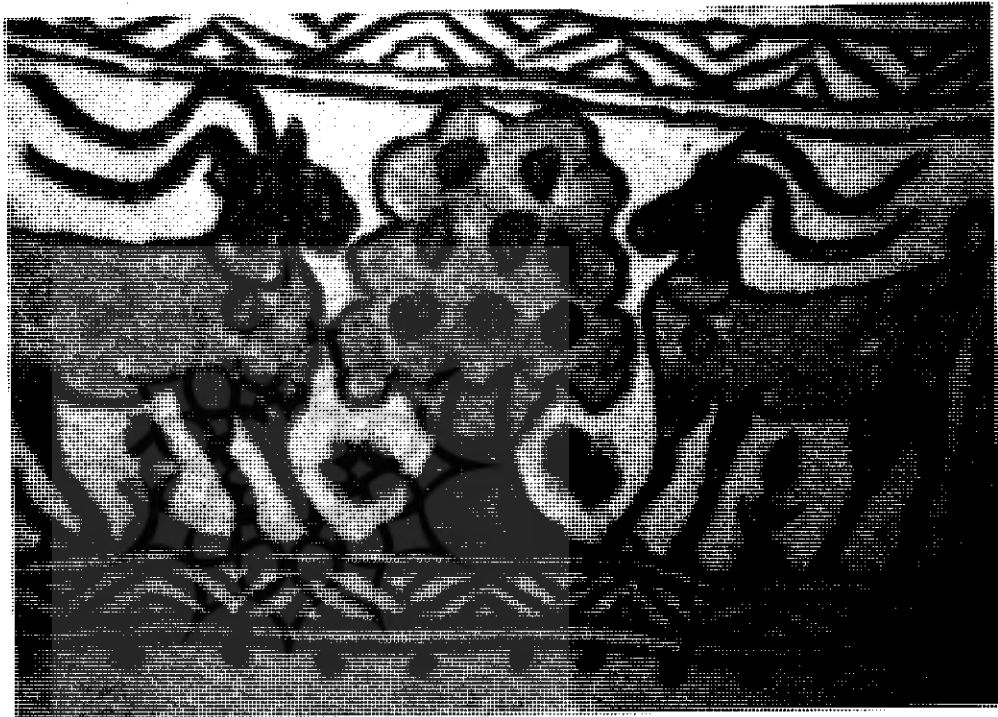
اندیشه‌ها، تجربه‌ها، دانسته‌ها، امیدها، خواهش‌ها
 و بینش‌هاست. به شرح شوریدگی‌ها و طرح
 ناگفتنی‌ها می‌پردازد و وسیله‌ی تماس و ارتباط
 انسان با محیط زندگی و کل جهان هستی است.
 میراث فکری قومی و گنجینه‌ی تجربه‌ها و
 یافته‌های نسل‌های متمادی و قاموس فرهنگ

نیاز، به ایجاد زیبایی نیز توجه شده است. با مطالعه و تطبیق فرآورده‌های دستی این منطقه، به خوبی معلوم می‌شود که به تناسب نوع کارکرد و محل کاربرد هر دست آفریده، شیوه خاصی از تزیین و ایجاد زیبایی، معمول است. برای مثال، نقش اندازی و تزیین خورجین مخصوص وسایل شخصی سوارکار، با خورجین ویژه حمل یا نگهداری غلات، یا گلیم بافته شده برای استفاده در اتاق پذیرایی، یا گلیم آشپزخانه، هم از نظر کمیت و کیفیت نقش و هم از نظر نوع بافت آن‌ها متفاوت

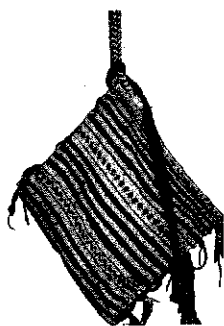
نقش بز و درخت زندگی .
نمد - کرمانشاه.

در هنر بومی امروز کردها، بسیاری از نقش‌های نمادین و سمبلیک دیده می‌شود که ریشه در تاریخ باستان فلات ایران دارند.

با تحقیق در زمینه‌ی این نگاره‌ها، بیش از آن که مانند بسیاری از نقش‌های دیگر به بوته‌ی فراموشی سپرده شوند، می‌توان آگاهی‌های ارزنده‌ای از تاریخ باستان ایران و جهان به دست آورد.



جادوی عصاره‌ای از رنگ‌های گیاهی در هم بافته شده است، ببیند و غرق در احساسی سکرآور و شیرین نشود.



- ۱- ایل منگور: از ایل‌های بزرگ و مشهور کرد در استان آذربایجان غربی (شهرهای مهاباد، بیرانشهر و روستاهای حومه).
- ۲- ایل سنجایی: از ایل‌های معروف استان کرمانشاه.
- ۳- ایل قهرمانلو: از ایل‌های کرد خراسان در قوچان و حومه.

است. خورجین حمل یا نگهداری وسایل و غلات و نیز گلیم آشپزخانه یا انباری و ایوان، بهره‌ی چندانی از نقش و رنگ ندارد. در حالی که خورجین حمل وسایل سوارکار یا خورجین ویژه نگهداری رختخواب‌های خانواده که به طور معمول در اتاق پذیرایی یا محلی واقع در دید مهمان و دیگران گذاشته می‌شود. با زیباترین نقش‌ها و بهترین نوع رنگ‌ها آراسته می‌شود. همراهی هنر با کار و زندگی ساده و بی‌تکلف مردمی زحمتکش و کم‌توقع، که از هنر چشمداشتی به جز کمک به ادامه‌ی زندگی معمولی و دستیابی به ابتدایی‌ترین خواسته‌ها و حقوق طبیعی خود ندارند و آن را به چشم وسیله و ضرورتی برای بهبود اقتصاد ابتدایی و در عین حال بیان خواهش‌ها و آرزوهای معقول و انعکاس باورها و بینش‌های پاک و اصیل خود می‌نگرند،